

ولایت اقتصاد

رابطه من ندادند

مگر شهداب برنده شده بود؟

گفت و گوی همشهری با عطایی از بازی آخر لیگ برتر والیبال آغاز شد، از شبی که فولاد سیرجان در یک سال گذشته برای چهارمین بار جام قهرمانی را بالای سر برد. عطایی از قدرت تیم خودش گفت و البته کیفیت بالای شهداب یزد. از اینکه ۲ تیم در یک سال گذشته ۹ بازی با هم انجام داده بودند و شناخت کافی که از هم داشتند و این کار را برای قهرمان شدن ۲ تیم سخت می کرد. مسئله ای که در بازی های فینال لیگ پر رنگ شد و هنوز هم به پایان نرسیده، داوری بازی های فینال بود، به خصوص داوری بازی دوم که شهدایی ها را شاک و مدعی کرد. «داوری واقعا مشکلی نداشت. این هیاهویی که از طرف باشگاه شهداب داده، درست نیست. بازی پوئن ۱۶-۱۶ بود که به زعم شهدایی ها یک خطایی رخ داد و آنها معتز شدند که چرا ویدئو چک نشد. والا برای ویدئو چک نه صدای زنگ در آمد و نه چراغ هشدار روشن شد. اگر وسط رالی تقاضای چلنج کنید و چلنج رد نشود، داور امتیاز را به تیم مقابل می دهد. چون برای خود آنها خطا محرز نبود، واکنشی نشان ندادند ولی می گویند ما در خواست دادیم. بگذریم من اصلا با خود ماهیت خطا کاری ندارم. فرض را بر این می گیریم داور آن توپ را به تیم شهداب می داد، بازی ۱۷ بر ۱۶ می شد، مگر در آن امتیاز برنده بودند؟ خطا در پوئن آخر بازی نبود. آنها ۱۶ بر ۱۵ از ما جلو بودند. چرا بازی را نبردند؟ بازی زمانی به پایان می رسد که توپ آخر تمام شود. اگر آن پوئن داده می شد، بازی ادامه پیدا می کرد. اینطور نبود که بازی به پایان برسد.»

در ۸ تیم برتر دنیا جایی نداریم

هر فصل سطح لیگ هم مثل سطح تیم ملی پایین تر می آید. حتی بازی های فینال کیفیت سابق را ندارند، شاید بعضی ها حساس باشند ولی بازی با کیفیت کمتر در لیگ دیده می شود. عطایی این ضعف را قبول دارد و دلایل آن را توضیح می دهد: «امسال لیگ بسیار بسیار حساس و نزدیک به همی داشتیم ولی خیلی با کیفیت نبود. خوب آمار تیم ها دست مربی ها هست و آمار ها نشان می دهد ما را استاندارد های جهانی فاصله داریم. کیفیت حمله ما هر روز دچار نقصان است. دریافت ها با سرویس های متوسطی که در ایران زده می شود، ایده آل نیست و این کار ما را در مسابقات بین المللی به شدت سخت می کند. یک اصل انکار ناپذیر وجود دارد؛ تا زمانی که لیگ با کیفیتی نداشته باشیم و بازیکن خوب خارجی نیابیم، تیم ملی موفق نخواهیم داشت. بهترین دوران تاریخ والیبال ما زمانی بود که همه بازیکن های خوبمان در ایران بازی می کردند. از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ محمد موسوی، سعید معروف، امیر غفور، شهرام محمودی، فرهاد قائمی و... همه در ایران بازی می کردند. دقیقش را نمی دانم اما در حال حاضر حدود ۴۰، ۵۰ بازیکن زیر ۲۰ داریم ولی به جز یکی دو نفر بقیه بازیکنان ما برای تیم های بزرگ بازی نمی کنند و بازی در تیم های متوسط هیچ کمکی به ما نمی کند. بین ۲ تیم اول ایتالیا یک بازیکن داریم که او هم ذخیره است، پورا یا خانزاده. در ۶ تیم برتر لهستان و در ۶ تیم برتر روسیه ما بازیکنی نداریم. در مجموع ۱۸ تیم دنیا ما هیچ جایی نداریم. با این شرایط ما نمی توانیم به اهدافی که برای تیم ملی مدنظر مان هست، برسیم.»

فدراسیون فقط به ولاسکو اقتدار داد

چرا افکار عمومی اینقدر نسبت به مربی ایرانی موضع منفی دارد؟ از نظر عطایی افکار عمومی تقریبا بعد از ولاسکو پذیرای مربی دیگری نیست، حتی خارجی. او این مسئله را ناشی از تفاوت نگاه فدراسیون به ولاسکو و دیگر مربیان می بیند: «در هر کاری، وقتی به طرف مقابل اختیار و اقتدار نمی دهید یا تعریف درستی از اختیار نداری، دچار چالش می شوی. اقتداری که فدراسیون به ولاسکو داد به کولاکوویچ داد؟ چقدر از آن اقتدار را به من داد؟ ما در دوره ولاسکو گیر کرده ایم و مشکل اصلی والیبال ما همین است.»

کسی از بازنده حمایت نمی کند

عطایی چطور روزهای سخت حضور در تیم ملی را پشت سر گذاشت و به امروز رسید: «من یاد گرفتم که با واقعیت زندگی کنم. در زندگی هم همینطور عمل کرده ام. در تیم ملی خیلی به من نقد شد که بخشی اش درست بود. به هر حال ما سال آخر واقعا موفق نبودیم و این یک واقعیت انکار ناپذیر است که کسی از تیم بازنده حمایت نمی کند، ولی موفقیت های ما هم نادیده گرفته شد. در تاریخ حضور ما در قهرمانی جهان که فکر می کنم ۶ دوره بوده، یکبار ششم شدیم و ۲ بار هم سیزدهم که یکی از این سیزدهمی ها با من بود. در بقیه دوره ها در رده های پایین بودیم.»

کواج بهترین بهره را برد

عطایی تیم ملی را در روزهای خوبی تحویل گرفت، بعد از شکست در المپیک توکیو و در خط پایان نسل طلایی: «من در دوره گذار تیم ملی را تحویل گرفتم البته هنوز هم تیم در دوره گذار است. ما سرمایه سازی نکردیم و یک دفعه تیم خالی شد و هر مربی ای می آمد، باید با این مسئله می جنگید. در ۱۰ ساله ای که بازیکنان نسل طلایی در تیم ملی بودند، یک دوره را مثال بزنید که تیم ملی بدون معروف و موسوی، در تورنمنتی حاضر شده باشد. بهترین بهره را مربیان خارجی از بازیکنان ما بردند. کواج در اوج شکوفایی بازیکنان ما به تیم آمد و بهترین نتایج را هم تیم با او گرفت. حتی در دوره او معروف، موسوی، محمودی و غفور نسبت به دوره ولاسکو کیفیت بهتری داشتند.»

کولاکوویچ مثل اسکوپچ

عطایی به انتخاب بعضی از مربیان، بر کناری بعضی از آنها و مدل تصمیمات فدراسیون نقد دارد: «در هیچ کجای دنیا نمی بینید که با یک مربی قرارداد ۶ ماهه ببندند و با دستیار او ۳ ساله ولی ما این کار را کردیم، با لوزانو ۶ ماهه بستیم و با دستیارش سچیلو ۳ ساله. بعد از لوزانو، کولاکوویچ آمد که نتایج قابل قبولی گرفت و من تا امروز نفهمیدم چرا او را کنار گذاشتند. کولاکوویچ تیم را به المپیک برد ولی ما المپیک را به آلکتو کادو دادیم. کولاکوویچ را مربی متوسطی می دانم، او مثل اسکوپچ فوتبال است و در او اینکه مربیان بزرگی نیستند اما با تیم های ما خوب جواب دادند.»

بهر روز عطایی که حالا برنش را احیا کرده، از روزهای سختش در تیم ملی و حمایت هایی که از او نشد می گوید

لیلی خر سندن | بهروز عطایی: عطایی را اگر در سطح باشگاهی ببینیم، می توانیم ادعا کنیم که او بهترین مربی والیبال ایران است، مردی که کارش را از دسته یک شروع کرد، تیم کاله را به لیگ برتر آورد و همان تیم را قهرمان ایران و آسیا کرد. در سال های اخیر هم با فولاد سیرجان هم قهرمان لیگ ایران شده، هم قهرمان آسیا و هم تیم را به سومی جام باشگاه های جهان رسانده. اما اگر او را با پیراهن تیم ملی تصور کنیم، فقط باید حسرت روزهایی را بخوریم که از دست رفت، به خصوص فرصت حضور در بازی های المپیک پاریس. وقتی صحبت با عطایی شروع می شود، خواسته ناخواسته پای تیم ملی وسط می آید و هر بار او صحبت های جدیدی برای زدن دارد، شاید هنوز هم خود او درگیر تیم ملی است و هر بار تحلیل جدیدی از آن روزهای تلخ برای ارائه دارد.

حاشیه درست می کنند

از همان سال اولی که عطایی در تیم ملی بود و در لیگ ایران هم تیمداری می کرد، این شسبه وجود داشت که او بهترین بازیکن تیم ملی را جذب تیم باشگاهی اش می کند. در یکی دو فصل گذشته هم این ذهنیت وجود داشت که او به پشتوانه همان رابطی که در تیم ملی با بازیکنان برقرار کرد، آنها را در تیم سیرجان حفظ کرده و توانسته به قهرمانی برساند. عطایی این را قبول ندارد: «زمانی که من تیم سیرجان را بستم، مربی تیم ملی نبودم، ۲ ساله که من با تیم کاله قهرمان لیگ برتر و قهرمان آسیا شدم، مربی تیم ملی نبودم. اصلا این طوری نیست. شهداب هم تیم بسیار پر قدرتی است، ولی ای مربی اش، مربی تیم ملی است؟ برای اینکه آذهان عمومی را منحرف کنیم و عملکرد یک گروهی را زیر سؤال ببریم، حرف های حاشیه ای و جانی می زنیم.»

عطایی قهرمان شدن هر تیم را وابسته

به داشتن بازیکنان خوب می دانند: هر تیمی که بخواهد موفق شود، به بودجه خوب و بازیکن خوب نیاز دارد. ما مربیان محدود به توانایی های بازیکنان مان هستیم. این یک مسئله مهم است که ما گاهی از آن فرار می کنیم. عوام می گویند اگر مثلا آقای ایکس مربی خوبی است، پس باید بتواند یک تیم متوسط را قهرمان کند. در دنیا سابقه داریم که یک تیم متوسط قهرمان شده باشد؟ اگر بوده در حد پدیده بوده. شاید با تیم ملی بشود یک بار این اتفاق بیفتد اما در سطح باشگاهی تیمی که قهرمان می شود، حتما تیم بسیار خوبی است. این اصل انکار ناپذیر است. ولی تیم های بسیار خوبی هستند که قهرمان نمی شوند،

اگر عطایی به عقب برگردد، حاضر است سرمربیگری تیم ملی را قبول کند؟ جواب او به این سؤال با اطمینان صد درصدی نه است: «با آگاهی ای که الان دارم نه، هیچ وقت قبول نمی کردم. برای من سرمربیگری تیم ملی افتخار بود ولی فضا را مناسب کار نمی بینم.» و حالا در این مقطع چطور، حاضر است سرمربی تیم ملی شود؟ جواب همان قبی است: «نه اصلا.»

این بار قهرمانی سخت است

فولاد سیرجان هفته های آینده باید در جام باشگاه های آسیا شرکت کند. عطایی که سال قبل با همین فولاد قهرمان آسیا و سوم جام باشگاه های جهان شد، می گوید این فصل مسابقات آسیایی در سطح متفاوتی برگزار می شود و این در حالی است که تیم او در مرحله مقدماتی گروه راحتی دارد: «قرعمان به نسبت سخت است. البته در مرحله اول نه سخت ترین بازی مان در مرحله حذفی است. مثلا ما اگر در گروه ۴ بودیم، به تیم قزاقستان یا استرالیا می خوردیم، ولی به هر حال برای قهرمان شدن باید همه رقیب را برد. من در ۴ دوره مسابقات باشگاه های آسیا به عنوان مربی حضور داشتم و ۲ دوره هم به عنوان بازیکن با اطلاعاتی که به دست آورده ام، فکر می کنم امسال بالاترین سطح از مسابقات باشگاه های آسیا در این دوره بر گزار می شود. حرف اصلی ما شانهای چین و ۲ تیم از ژاپن هستند. هم تیم اوژاکا و هم تیم سانتوری تیم های بسیار پر قدرتی هستند. تیم شانگهای که در مرحله حذفی با آنها روبه رو می شویم، لئون و کوبیک را با خودش دارد. قرار بود ما لئون را بگیریم ولی با آنها زودتر قرارداد بست. تیم اوژاکا هم که میزبان است، میشیدا و جاشکه آمریکایی و چند بازیکن خوب دیگر دارد. ما انگاپ را گرفتیم و یک بازیکن دیگر هم به تیم اضافه می شود. تلاش ما این است که به قهرمانی برسیم و سعی می کنیم بهترین عملکرد را داشته باشیم ولی همه اتفاقات دست ما نیست و به عملکرد بقیه تیم ها هم بستگی دارد.

داورنی تمرکز نداشت

عطایی از محمدرضا داورنی که در دوره سرمربیگری او ریاست فدراسیون را به عهده داشت، ایراد می گیرد و مدعی است که او در کارش دخالته داشته است: «داورنی مدیر خیلی خوبی است ولی در آن مقطع درگیری های دیگری داشت. شاید آدم های مختلف که کنارش بودند، سبب شد تمرکزش را به هم بزنند. بعد از مسابقات قهرمانی جهان یکی از بازیکنان تیم با یکی از اعضای کادر فنی درگیر شد و گفتند کادر را کنار بگذار. آن روز من اشتباه کردم و باید بازیکن را حذف می کردم نه عضو کادرم را. از آنجا به بعد بود که دخالت های فدراسیون در کار من شروع شد، جزیده، لاهوتی، افشار دوست و خولیان را از کادر کنار گذاشتند و من در هیچ یک از این تصمیمات نقشی نداشتم. اگر عطایی امروز بود، محال بود اجازه می داد این کارها را انجام بدهند. مقصر بخشی از این اتفاقات خود من بودم. در آن شرایط تیم دچار چندگانگی شد و بازیکن احساس می کرد من تصمیم گیرنده نهایی نیستم. بازیکن باید بداند رئیس چه شخصی است. بازیکنی که فکر کند مربی اش ماندگار نیست، دیگر نمی شود کاری اش کرد.»

کسی از بازنده حمایت نمی کند

همان آدم قبلی هستم

موفقیت هایم نادیده گرفته شد

در تیم ملی کم تجربه گی کردم



گزارشگران به مخاطبان خط می دادند

عطایی نقدی هم به گزارشگران تلویزیونی دارد، از آنهایی که اعضای کادر فنی او را به بسخره گرفته و به مخاطبان سمت و سو می دادند: «در هفته آخر لیگ ملت ها در آمریکا، و برای من و چند بازیکن آمده نشد و علیرضا طلعو کیان دستیارم کنار خط ایستاد. در بازی با فرانسه گزارشگر گفت کادر آن تیم را ببینید، کادر ما را ببینید؛ کادر آنها آندره جیانی است که نفره مدال المپیک و طلای جهانی دارد، ولی مربی ما چه دارد. جان انیسره و مربی بزرگی است ولی شاید اصلا برای تیم ملی آمریکا بازی نکرده باشد. اگر قرار است اینطور مقایسه کنیم، باید گزارشگران ما هم با گزارشگر رأی اسپریت ایتالیا که آندره لو کنستانت، کسی که کاپیتان جیانی بوده و نفره المپیک، طلای لیگ جهانی و قهرمانی جهان را دارد، مقایسه شود. مگر خبرنگاران و گزارشگران ما قهرمانی جهان والیبال را دارند؟ ۹۰ درصد کارشناسان ما اصلا والیبالیست نبودند ولی والیبال را خوب می فهمند. این مدل گزارش کردن ها به سمت و سوادن به جریان علیه من کمک می کرد.»

ورژن جدید ندارم

عطایی در سطح باشگاهی با عطایی تیم ملی متفاوت است یا بعد از تیم ملی با ورژن جدیدی از عطایی روبه رو هستیم؟ او می گوید: «وقتی می خواهم موفق شوی، یک مجموعه باید کارش را درست انجام بدهد. من سعی کرده ام اشتباهاتی را که داشتم تکرار نکنم و آنها را به حداقل برسانم ولی ورژن جدیدی نداشتم، من همان آدم قبلی هستم، فقط سعی کرده ام بهتر عمل کنم. اگر من در تیم باشگاهی ام موفق هستم، به خاطر جنس پشتیبانی مدیران تیم است، بر عکس تیم ملی که در روزهایی سخت، فضا خوب مدیریت نشد. در آن مقطع هر بازیکنی که از تیم ملی خط می خورد، به خودش اجازه می داد با رسانه خاصی علیه تیم ملی یا من صحبت کند. الان اگر چنین اتفاقی بیفتد، با اطمینان می گویم که آقای تقوی آن بازیکن را حذف می کند. اما در فدراسیون قبلی بازیکن نقد می کرد، بدگویی می کرد، ولی هیچ اتفاقی برایش نمی افتاد. این اتفاقات در به حاشیه بردن تیم کمک کرد.»

لس آنجلس را از دست دادیم

عطایی افت در والیبال ایران را یک اتفاق طبیعی می داند: «افت اتفاق رایج در ورزش است و محدود کشورهایی هستند که ثبات موفقیتی دارند. برزیل پرافتخارترین تیم جهان است اما الان به سختی خودش را به جمع ۴ تیم برتر دنیا می رساند. ساخت بازیکنان نخبه زمان می برد. شاید ۲۰ سال دیگر بتوانیم سعید معروف یا یک محمد موسوی دیگر داشته باشیم. تیم فوتبال آرژانتین دهه به دهه تغییر کرده. آنها ۱۹۷۸ با ماریو کمپس قهرمان جهان شدند، یک دهه طول کشید تا دوباره با مارادونا به قهرمانی رسیدند و این دهه هم با مسمی جام جهانی را بردند. پروسه بازیکن سازی به زمان نیاز دارد. الان بهترین کاری که فدراسیون ما می تواند انجام بدهد این است که برای المپیک ۲۰۲۲ با نامبریزی کند، المپیک لس آنجلس را از دست دادیم.»

دستیار نمی شوم

چرا عطایی حاضر نیست دستیار پیاثزا سرمربی فعلی تیم ملی شود: «من دستیار پیاثزا نمی شوم، نه اینکه من از او بهتر باشم، نه، یکی به خاطر این است که می دانم الان آمادگی حضور در این فضا را ندارم و دیگر اینکه من به در کمکم مربیگری نمی خورم و می دانم دستیار خوبی نیستم. در هر دوره ای می خواهم در تیم های ملی کمک مربی انتخاب کنیم، سراغ سرمربیان باشگاهی می رویم. یک چرخه است، یا سراغ رحمان محمدی راد می رویم یا پیمان اکبری، محمدرضا تندر و... کواج وقتی سرمربی تیم ملی بود، حرف درستی زد و گفت من کمک مربی می خواهم نه سرمربی. ما فقط به اسم ها توجه می کنیم ولی باید تخصصی کار کنیم.»

هنوز دنبال معروفیم

یکی از مشکلات دیگری که از نظر عطایی تیم ملی با آن مواجه است، نگاهی است که بعضی ها به مدل جوان شدن تیم دارند: «نگهداشتن یک سری بازیکن جوان کارآمد خیلی مهم است. محمد موسوی نوجوان بود که به تیم ملی اصلی رسید. سعید معروف بلافاصله بعد از تیم جوانان در تیم ملی پاس داد ولی در لیگ ملت های ۲۰۲۳ که من به پورا خانزاده ۱۸ ساله بازی دادم، یکی از بازیکنان نسل طلایی که الان مربی شده، گفت لیگ ملت ها جای بازیکن ۱۸ ساله نیست. این حرف حتی اگر مغرضانه نباشد، غلط است. نیکلف ۱۸ ساله در تیم ملی بلغارستان و لوبه فیکس است، همینطور برادر کوچک ترش. از نظر من در شرایط نزدیک به هم بازیکن ۱۹ ساله ۷۰ درصدی بهتر از بازیکن ۲۹ ساله ۴۰ درصدی است و باید روی او سرمایه گذاری کنی. اگر عقب هستیم به خاطر همین نگاه است. یک عده هنوز ته دلشان این است که سعید معروف در تیم ملی پاس بدهد و علی دایی گل بزند.»



با اسکن این کد
فیلم کامل این
گفت و گوا تماشا کنید.